

اتحاد آلمان- باندريها^(۱) عليه اوکراين

ولاديسلاو گوليويچ

(Vladislav Gulevich)

فارغ التحصيل دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه کيرواگراد،

مفسر سياسي هفته نامه «ساعت اوج»،

عضو گروه کارشناسان نشریه سیاست خارجی «مسائل بين المللی»

سرچشمه:

<http://www.fondsk.ru/news/2014/02/01/germano-banderovskij-sojuz-protiv-ukrainy-25517.html>

مترجم: ا. م. شیری

<http://eb1384.wordpress.com/2014/02/08/>

۱۹ بهمن- دلو ۱۳۹۲

گذشته از اینکه مراسم خاک بر سر کردن بعلامت تقبیح گذشته نازیستی آلمان به یک تشریفات سیاسی در برلین تبدیل گردیده است، همدلی پشت پرده محافل حاکمه آلمان با جنبش نئونازیهای اوکراین جزء جدایی ناپذیر سیاست شرقی جمهوری فدرال آلمان را تشکیل می دهد...

اطلاعات در این مورد بسیار کم است. اغلب در این باره اطلاع دارند که ویتالی کلیچکو، تحت الحمایه آنگلا مرکل است. حزب «ضربه» یا (مشت)، دست پخت استراتژیستهای سیاسی بنیاد کنراد آدثناور می باشد. این تشکیلات از بودجه دولتی آلمان تأمین مالی می شود. توجهات زمانی به کلیچکو معطوف شد، که وارد کردن «مرد» قادر به اجرای وظیفه مأمور آلمان به هرم قدرت اوکراین بعنوان هدف تعیین گردید. روزنامه های آلمان او را با عنوان «مرد ما در کیف» می نامند^(۲).

در زمانهای اخیر برلین فعالانه به سمت شرق روی آورده است. فشار جدید آلمان در پوشش گفتمان دموکراسی بیان می شود، ولی ماهیت آن تغییر نکرده است. تغییرناپذیری الزامات «یورش به شرق» و موضع فعال برلین در رابطه با «میدان اروپائی»، و حمایت از اقدامات ویرانگرانه مخالفان اوکراینی، و فشار بر رئیس جمهور، یانوکویچ مدلل گردیده است.

ویتالی کلیچکو با حرکت متقابل به قیم خود پاسخ می دهد. اخیراً این سخنان بر زبان او جاری شد، که تشکیلات اوکراینی متحد ارتش وروماخت در زمان جنگ کبیر میهنی برای استقلال اوکراین می جنگید و باید بجای مفهوم «جنگ کبیر میهنی»، عبارت «جنگ جهانی دوم» بکار برده شود تا آن از دور خارج گردد.

اما جالب توجه این است که برلین تماسهایش را تنها به کلیچکوی «میان رو» محدود نمی کند. در اوایل سال ۲۰۱۲، یعنی مدتها پیش از دامن زدن به ناآرامی های کیف، اعضای احزاب مخالف اوکراین، از جمله آنها **اولگ تیاگنیبوک**، فرمانده لشکر اس اس «گالیتسین»، توسط همان بنیاد کنراد آدثناور به میزگردی در کیف دعوت شدند. بگفته شرکت کنندگان آلمانی این میزگرد، در جریان گفتگوها، آینده مخالفان اوکراین مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. آیا گروه ملی گرایان افراطی «آزادی» موظف نیست اقدامات خود برای موفقیت های آینده در انتخابات ماه اکتبر سال ۲۰۱۲ را به رسم معمول مذاکره با شرکای آلمانی خود تبدیل نماید؟ جالب توجه اینکه بلافاصله پس از انتخابات ماه اکتبر، کلیچکو و پاتسنیوک به گروه ملی گرای افراطی «آزادی» پیوستند و همراه با تیاگنیبوک، یک «ژدهای سه سر» در «میدان اروپا» ظاهر شد^(۳).

بنیاد کنراد آدثائور یک ساختار نزدیک به اتحاد دمکرات- مسیحی، حزب تحت رهبری آنگلا مرکل است. روزنامه نگاران از مدتها قبل فاش کردند که صدراعظم آلمان «مری ویتالی کلیچکو» می باشد. دمکرات- مسیحی ها به تعبیر برخی سیاستمداران اتحاد دمکرات- مسیحی با آرامش بسوی برقراری مناسبات نزدیک با گروههای ملی گرای افراطی مانند «آزادی» پیش می روند.

اینک دو تشکیلات آمریکایی مجرب در کار سازماندهی «انقلابات رنگی»، یعنی نهاد بین المللی جمهوریخواهان و مؤسسه دمکراتیک ملی نیز به برگزارکنندگان آن دیدار با اپوزیسیون اوکراین ملحق شده اند. جون مک کین، سناتور آمریکایی مدیر نهاد بین المللی جمهوریخواهان، می باشد که تفاهم نامه همکاری سیاسی، او را با ویتالی کلیچکو پیوند می دهد. مؤسسه دمکراتیک ملی را مادلن اولبرایت، فردی بشدت خشن مدیریت می کند. هر دو مؤسسه که راهنمای «احساسات انقلابی» در کشورهای منتخب برای این هدف محسوب می شوند، بطور مستقیم با دولت آمریکا کار می کنند. تماس «عقابهای» آمریکا با ملی گرایان افراطی اوکراین دیگر سر نهان نیست، و دعوت به گسترش چنین تماسها اغلب بگوش می رسد^(۲).

دیدار بعدی مقامات بلندپایه آلمان با اولگ تیاگنیوک در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ سر گرفت. همان وقت سفیر آلمان با رئیس «آزادی» دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار، تیاگنیوک ضرورت تقبیح سیاست رئیس جمهور یانوکوویچ، و همچنین کمک به امر رو در رویی با «رژیم ضد اوکراینی» را خواستار شد.

بدین ترتیب، تکیه بر محافل راست افراطی را برلین دیگر امری شرم آور برای خود حساب نمی کند. کاملاً در توان استراتژیستهای آلمان بود که تیاگنیوک و کلیچکو را به جهات مختلف سوق دهند، ولی بجای این، برلین برای وحدت مخالفان میانه رو و اپوزیسیون تندرو در یک جبهه کوشش کرد. بخصوص اینکه، مقامات آلمان از ارتباط راستگرایان اوکراین با فعالان حزب ملی- دمکراتیک آلمان که پس از سال ۱۹۴۵ پدید آمد و بسیاریها آن را بعنوان یک سازمان اصیل نئونازی تعریف می کنند، اطلاع دارند. اعضای گروه ملی گرای افراطی «آزادی» بارها مهمان حزب ملی- دمکراتیک آلمان بوده اند و روزنامه ملی- دمکراتهای آلمان، با کمال گستاخی، مصاحبه سرگنتی نادال، شهردار شهر ترنوبل مبنی بر «گسترش منافع اروپا بکمک اوکراین تا مرز روسیه» و عدم متوقف کردن آن تا مرز لهستان با اوکراین را بطور مکرر انتشار دادند^(۵).

شاید، برای تحقق مفاد اساسی سیاست شرقی جمهوری فدرال آلمان رادیکالیزه کردن جامعه اوکراین بمفهوم ملی گرایی آن شرط لازم محسوب می شود. برلین اتحاد کیف و مسکو را بمثابه مانع اصلی ممکن در شرق ارزیابی می کند. آلمان مجدداً، مثل بار قبل، به مرزهای آن رسیده است. توان اقتصادی بالقوه آن از چهارچوبه ای که آنگلساکسونها بموقع خود نفوذ آلمان در اروپا را دفع کردند، خارج شده است. آلمانها بار دیگر بطرف شرق حرکت می کنند، و آنها در کمال آمادگی به سمت بخوبی آشنا برای خود هجوم آورده اند.

توضیحات و منابع

(۱) - باندیرها، یک سازمان ملی گرایان افراطی اوکراین (جنیش باندیری) است، که با نام بنیانگذار آن، استپان آندریوچ باندرا، تروریست، جاسوس آلمان، یکی از طراحان ترور وزیر کشور لهستان، برانیسلاو پراتسکی، معروف است.

استپان آندریوچ باندرا پس از ترور وزیر کشور لهستان زندانی و در دادگاه ابتدا به مرگ و سپس به حبس ابد محکوم گردید. با اشغال لهستان توسط ارتش آلمان نازی، در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ از زندان آزاد شد و سازمان تحت رهبری او در جنگ کبیر میهنی در کنار ارتش آلمان بر علیه اتحاد شوروی جنگید. باندیرها برای تجزیه مناطق غربی اوکراین به پایتختی لووف می جنگیدند و هنوز هم می جنگند. مترجم

(۲) «Unser Mann in Kiew» (Junge Welt, 23.11.2013)

(۳) «Die Expansion europäischer Interessen» (www.german-foreign.-policy.com, 29.01.2014)

(۴) «Getting it Right on Ukraine: Realpolitik vs. Wishful Thinking» (CEPA, 28 January 2014)

(۵) «Nationalistische Töne» (BNR.de, 20.12.2013)